

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

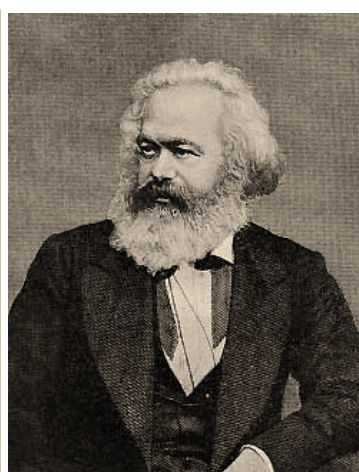
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۱۶ فبروری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۲۸

۴۸- کارل مارکس : جنگی تازه در چین (بخش ۴)

لندن، ۳۰ سپتمبر ۱۸۵۹

در یکی از مقالات پیشین^۱، توضیح دادیم که درگیری پی – هو اتفاقی نبود بلکه به عکس با نقشه قبلی توسط لرد الجین انجام گرفت و بر اساس دستورات سرّی پالمستون نقشه ویکتورا به لرد ملمسبوری وزیر محافظه کار امور خارجه تحمیل کرد که در آن زمان رهبر اپوزیسیون بود. پیش از هر مطلبی، موضوع «حوادثی» که مبنی بر دستورات صادر

^۱ «جنگ تازه ای در چین»

شده از طرف پالمستون در چین روی داد تازگی ندارد و جای بسی شگفتی ست که طی بحث پیرامون موضوع مربوط به منازعه کشتی لورشا در مجلس عوام، شخصیتی مثل دیزرائیلی آن را مطرح کرده است که یکی از منابع آگاه به شمار می آید. و این مورد نیز از طرف خود پالمستون تأیید شده است. روز ۳ فیروری ۱۸۵۷ آقای دیزرائیلی با عبارات زیر به مجلس عوام هشدار می دهد:

«نمی توانم باور نداشته باشم که آنچه در چین به وقوع پیوسته نتیجه نه آن بهانه ای ست که مطرح شده، بلکه حاصل دستورالعمل هائی بوده که خیلی پیش از این ها از طرف انگلستان صادر شده بوده. در این صورت، فکر می کنم زمان آن فرا رسیده است که اگر مجلس عوام خواهان شانه خالی کردن از وظایفش نباشد، مجدانه بپرسم که آیا برای نظارت بر نظامی که تداوم آن برای منافع کشور ما امری حیاتی ست ابزارهای ضروری را در اختیار دارد یا نه؟»

و لرد پالمستون در کمال آرامش پاسخ می دهد :

«جنتلمن محترم می گوید که از نتایج جریان حوادث اینگونه بر می آید که نظم و ترتیب هائی از پیش توسط دولت انگلستان تعیین شده . بی هیچ گمان همینگونه بوده است.»

اکنون، اگر نگاهی سریع به کتاب آبی بیندازیم، در گزارشی که به مأموریت ویژه کنت الجین در چین و جاپان، به سال های ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۹ مربوط می شود، از حوادثی مطلع می شویم که روز ۲۵ جون در پی- هو روی داد، یعنی حوادثی که از ۲ مارچ الجین آن را پیشبینی کرده بود. در صفحه ۴۸۴ در گزارش دو تلگراف زیر را می بینیم :

کنت الجین به دریادار سر میکائل سیمور

فورپوس، ۲ مارچ ۱۸۵۹

«آقای گرامی ، با مراجعه به تلگرافی که برای حضرت عالی به تاریخ ۱۷ فیروری فرستادم، این افتخار را یافته ام که امیدواری خودم را درباره تصمیم اتخاذ شده دولت اعلیحضرت درباره اقامت دائمی سفیر بریتانیا در بیجینگ تأیید کنم که دیروز به اطلاع حضرت عالی رساندم. طی صحبتی می توانیم دولت چین را مجبور کنیم تا برای پذیرش نماینده اعلیحضرت که جهت معاوضه مدارک مربوط به معاهده تین-تسین به بیجینگ وارد می شود، مقدمات مناسبی فراهم نماید. با وجود این ممکن است که چنین امیدی تحقق نیابد و در هر صورت تصور می کنم که دولت اعلیحضرت مایل باشند که نیروهای قدرتمندی سفیر ما را در طول مسافرتش به تین-تسین همراهی کند. در چنین شرایطی، اگر جسارت نباشد می خواستم بررسی این مسأله را به عهده حضرت عالی واگذار کنم که در اولین فرصت مناسب در صورتی که ممکن باشد برای چنین مأموریتی ناوگانی نیرومند با توپچی های کاملاً مسلح در شانگهای تمرکز یابند زیرا سفر آقای بروس به چین نمی تواند زیاد به تعویق بیفتد.... و امثال اینها.

الجین و کینکاردین.»

کنت ملمسبوری به کنت الجین

وزیر امور خارجه، ۲ می ۱۸۵۹

«میلورد^۲ ، تلگراف حضرت عالی را به تاریخ ۷ مارچ ۱۸۵۹ دریافت داشتم، و باید به اطلاع شما برسانم که دولت اعلیحضرت بیاناتی را که حضرت عالی رو نوشت آن را قید کرده بودید تأیید می کند. در این مکاتبه به مسؤول امور سلطنتی اعلام کرده بودید که دولت و اعلیحضرت اصراری برای تثبیت اقامت وزیر اعلیحضرت به شکل دائمی در

^۲ Milord میلورد . تیتل لرد

بیجینگ ندارند.

دولت اعلیحضرت همچنین پیشنهاد شما را مبنی بر تمرکز ناوگان و توپخانه در شانگهای به درباردار سیمور جهت همراهی آقای بروس در آبهای پی-هو تأیید می کند.

با احترام

ملمسبوری.»

نتیجه می گیریم که لرد الجین از پیش به طرح دولت بریتانیا آگاه بوده و می دانسته است که برادرش بروس باید با ناوگان و توپخانه تحمیل کننده ای در آبهای پی-هو شناور شود و به درباردار سیمور فرمان می دهد که برای چنین مأموریتی آماده شود. کنت ملمسبوری در تلگرافی به تاریخ ۲ مه می فرستد، و پیشنهاد لرد الجین به درباردار را تأیید می کند. در مجموع، مکاتبه حاکی از این امر است که گوئی لرد الجین فرمانده اصلی و لرد ملمسبوری در خدمت او می باشد. در حالی که اولی پیوسته ابتکار عمل را به دست دارد و بر اساس راه کارهایی که مستقیماً از پالمستون دریافت کرده، حتی بی آن که منتظر دستورات تازه از دانیینگ استریت^۳ باشد دست به کار می شود، ولی ملمسبوری خواستی را که مأمور زیر دست و مقتدرش از پیش به او نسبت داده از آن خود می دارد و وقتی لرد الجین می گوید که معاهده هنوز به تصویب نرسیده و انگلیس ها حق وارد شدن به آب های چین را ندارند، لرد ملمسبوری این موضوع را تأیید می کند. و وقتی الجین درباره ماده قرارداد یاد شده به استقرار سفیر انگلیس در بیجینگ می گوید که باید در رابطه با چینی ها صبر و شکیبایی داشت، او باز هم تأیید می کند، و علاوه بر این وقتی که الجین به شکل کاملاً متناقض با بیانات خودش، از حق استفاده از نیروی بحری و توپخانه برای ورود به پی-هو حرف می زند، کنت ملمسبوری خم به ابرو نمی آورد و باز هم تأیید می کند.

اگر جارجو جنجالهایی را به یاد بیاوریم که لندن تایمز و دیگر روزنامه های پر نفوذی که در زمان به قدرت رسیدن کابینه محافظه کاران به راه انداخته بودند، در این صورت براحتی حالت رقت انگیز و رفتار متواضعانه کنت ملمسبوری را درک خواهیم کرد. آنها موفقیت های چشم گیر لرد الجین را که تحت فرامین پالمستون در چین در شرف تکوین بود در خطر می دیدند، در حالی که کابینه محافظه کاران با مخالف-خوانی و توجیه رأی عدم اعتمادی که در مورد بمباران کانتون توسط پالمستون صادر کردند، در پی ناکام گذاشتن آن بودند. ملمسبوری تحت تأثیر این جار و جنجالها قرار گرفت. و علاوه بر این، سرنوشت النبروگ^۴ را نیز فراموش نکرده بود که گستاخانه و با صراحت علیه سیاست ویکنت (پالمستون) محترم در هند مخالفت کرده و به ازای پاداش شهادت وطن پرستانه انش توسط همکاران خودش در کابینه دبری^۵ قربانی شده بود. در نتیجه، ملمسبوری ابتکار عمل را به الجین واگذار کرده بود تا بتواند طرح پالمستون را با مسؤولیت مخالفان رسمی اش یعنی محافظه کاران، به انجام رساند.

^۳ Downing Street: دانیینگ استریت. ساختمان دفتر نخست وزیر انگلیس در شماره ۱۰ خیابان دانیینگ استریت واقع شده و نام خیابان به شکل استعاری به کار برده می شود.

^۴ Ellenborough

^۵ اشاره به عدم توافقی ست که بین لرد النبروگ، رئیس دفتر نظارت، و لرد کانتینگ والی اعظم هند روی داده بود. در تلگرافی به تاریخ ۱۹ اپریل ۱۸۵۸ النبروگ که در رابطه با فنودال های بزرگ هند از سیاست انعطاف پذیرتری دفاع می کرد، کانتینگ را به خاطر مصادره کردن زمین های فنودال های «اوده» که در اتحاد با شورشگران ملی بودند، سرزنش کرده بود. تلگرام او مورد حمایت محافل دولتی در بریتانیای کبیر واقع نگردید. النبروگ در ماه می ۱۸۵۸ استعفاء داد تا این که کابینه دبری همچنان در قدرت باقی بماند.

در همین وضعیت است که در حال حاضر محافظه کاران را در مقابل بدیل فوق العاده مشکلی در رابطه با حوادث پی- هو قرار می دهد. یا باید به نفع پالمرستون در شیپور جنگ بدمند و او را در قدرت نگهدارند، و یا این که پس از مداحه گوئی های اکراه آور نظیر آخرین جنگ در ایتالیا، از ملمسبوری روی برگردانند.

چنین بدیلی همانقدر مشکل برانگیز است که سومین جنگ زود هنگام علیه چین که طرفداران بی شماری در محافل بازرگانی بریتانیا دارد. در سال ۱۸۵۷ از نیروی نظامی بریتانیا استفاده کردند، زیرا آنان در باز گشائی بازار چین به منافع بازرگانی عظیمی چشم دوخته بودند. در حال حاضر به عکس، به طریق اولی تأسف می خورند که مبدا امتیازات معاهده را از دست بدهند. محافل بازرگانی می دانند که موقعیت اروپا و هند حتا بی آن که جنگ گسترده ای علیه چین بر پا شود به اندازه کافی تهدید آمیز است و فراموش نکرده اند که در سال ۱۸۵۷ واردات چای بیش از ۲۴ میلیون لیور کاهش پیدا کرد، در حالی که این کالا صرفاً از کانتون می آمد، یعنی جائی که صحنه جنگ در آن دوران بود. ترس آنان از این است که جنگ به شانگهای و دیگر بنادر بازرگانی چین گسترش یابد. پس از اولین جنگ علیه چین که انگلیس ها برای حفظ منافعشان در قاجاق تریاک بر پا کردند و دومین جنگ نیز برای دفاع از راهزن هائی بود که در کشتی لورشا پنهان شده بودند، و اکنون سومین جنگ است که باید برای استقرار دائمی سفیر انگلیس در بیجینگ، زندگی چینی ها را آلوده کند.

۴۹- کارل مارکس : گزیده ای از : بریتانیا و بازرگانی پنبه

... از آغاز جنگ داخلی امریکا^۶، نرخ پنبه همواره رو به افزایش داشت، ولی به ویژه در آخرین هفته های ماه اگست بود که اختلاف اسفناکی بین بهای مواد اولیه و نخ و پارچه آشکار شد. تا این تاریخ، هر گونه کاهش قیمت برای کالاهای پنبه ئی، که با آن کاهش قابل توجه تقاضای امریکائی ها قابل پیشبینی بود، و میزان تعادل آن به تراکم کالاهای دست اولی می انجامید که متعاقباً صادر می شد و به بهای مناقشات بازار چین و هند به فروش می رسید. با وجود این بازارهای آسیائی خیلی زود به حد اشباع رسید. هفته نامه^۷ «کلکته پرایس کورانت»^۷ به تاریخ ۷ اگست ۱۸۶۱ می نویسد :

«کالاهای روی هم انباشت می شوند، مطابق آخرین گزارشاتی که دریافت کرده ایم حدود ۲۴ میلیون یارد (۲۱۹۴۵۶۰۰ متر) کالای پنبه ئی از ایالات متحده صادر شده. منابع انگلیس از ورود کالاهائی تازه ای گزارش می دهند که فراتر از نیازهای ماست، و تا وقتی که این وضعیت ثابت باقی بماند نمی توانیم به بهبود اوضاع امیدوار باشیم...بازار بمبئی نیز قویاً اشباع شده است.»

برخی شرایط دیگر موجب کاهش بازار هند شد. موج گرسنگی در شمال غربی و سپس تلفاتی که گسترش وبا به همراه داشت، و علاوه بر این ریزش باران شدید در جنوب بنگال به سیل انجامید و به کشت برنج خسارات جدی وارد آورد... مصرف پنبه هند به سرعت افزایش می یابد و با بالا رفتن قیمتها، واردات نیز بیشتر می شود. با وجود این ظرف چند ماه تغییر در مجموع شرایطی که به تولید و بازرگانی مربوط می شود ممکن نیست. در واقع، انگلستان در حال حاضر

^۶ اشاره به جنگ داخلی (۱۸۶۵-۱۸۶۱) بین ایالات شمالی امریکا که طرفدار الغای برده داری بودند و کشاورزان در ایالات جنوبی است. از دیدگاه مارکس «جنگ بین دو نظام اجتماعی بر پا شده بود، از یک سو طرفداران برده داری و از سوی دیگر طرفداران کار آزاد». جنگ با پیروزی شمالی ها خاتمه یافت و نظام برده داری از بین رفت. از این پس سرمایه داری با سرعت تمام در ایالات متحده گسترش می یابد.

^۷ Calcutta Price Current

هفته نامه بورژوازی هندی که با نام های مختلف بین سال های ۱۸۲۰ تا ۱۸۶۱ منتشر می شد.

باید نتایج زیان باری را تحمل کند که علت اصلی آن در طول سالها اداره نامتناسب امپراتوری وسیع هند بوده است. انگلستان برای گزینش پنبه آمریکائی به جای پنبه هندی باید با دو مانع مهم رویارویی کند، از یک سو باید مشکل ارتباطات و حمل و نقل در هند را حل کند و از سوی دیگر فقر دهقانان هندی ست که آنان را برای استفاده از فرصت های مساعد باز می دارد. انگلیس ها این دو مشکل را باید برای خودشان حل کنند. در مجموع، صنایع مدرن انگلیس پیرامون دو محور عظیم در حال گردش است. نخستین محور، کچالو "سیب زمینی" ست که یگانه مواد غذایی ایرلند و بخش بزرگی از طبقه کارگر انگلیس می باشد.

این محور به علت گسترش بیماری کچالو از بین رفت^۸ و در پی آن به ایرلندی ها خسارت زیادی وارد آمد. از این پس باید پایه و اساس گسترده تری برای تغذیه میلیون ها کارگر ایجاد کنند. دومین محور صنایع انگلیس پنبه ای بود که در ایالات متحده به دست برده ها کشت می شد. بروز شدن بحران امریکا، انگلیس ها را مجبور می کند که وسعت ذخیره شان را گسترش دهند و تولید و مصرف پنبه را که تا کنون بر اساس نظام برده داری ساخت و سامان یافته بود از الیگارشی خود حذف کند. تا زمانی که کارخانه های پنبه انگلیس به کشت پنبه به دست بردگان بستگی داشت، می توانستیم بگوئیم که به برده داری مضاعف بستگی داشت، یعنی برده داری غیر مستقیم سفید های انگلیس و برده داری مستقیم سیاهان در آن سوی آتلانتیک.

ادامه دارد

کارل مارکس

لندن، ۲۱ سپتمبر ۱۸۶۱

نیویورک دیلی تریبون شماره ۶۴۰۵

۱۴ اکتوبر ۱۸۶۱

^۸مارکس به موج گرسنگی سال ۱۸۴۵ و ۱۸۴۷ در ایرلند اشاره دارد که علت آن خسارات وارد آمده به برداشت سیب زمینی بود. به این ترتیب ایرلندی ها از مواد غذایی اصلی خود محروم شدند، و فقر همه گیر تحت سیادت ارباب انگلیسی، گرسنگی دهقانان ایرلندی را از پا آورد اگر چه غلات در این سالها خوب به عمل آمده بود. گندم، گوشت، شیر و محصولات دیگر به اندازه کافی به فراوانی تولید شده بود و می توانست در این سال دو برابر جمعیت ایرلند را سیر کند، ولی تمام آنها را به انگلستان صادر کردند. گرسنگی و بحران اسفناک بازرگانی و صنعتی که در پی آن به وقوع پیوست، روی جنبش آزادیخواه ملی در سال ۱۸۴۷ و ۱۸۴۸ تأثیر گذاشت.